



## ازدواج : الگوها، معیارها و ارزشها

### مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، 1305 -

عنوان و نام پدید آور : ازدواج : الگوها، معیارها و ارزشها / مکارم شیرازی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، 1388.

مشخصات ظاهری : 85ص.؛ 14/5 × 21 س م.

شابک : 8000 ریال 8-088-533-964-978

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: makarem shirazi. exemplary marriage.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : زناشویی (اسلام) -- آداب و رسوم

رده بندی کنگره : /BP258/5م7الف4 1388

شماره کتابشناسی ملی : 3546272

ص:1

اشاره

ص:2

ص:3

ص:4

ص:5

### فهرست مطالب

یک مشکل بزرگ 7

ارزشهای اسلامی در امر ازدواج 10

ویژگیهای خانواده نمونه 19

بخش اول: خواستگاری عجیب / 25

نخستین گام 27

عقدی که در آسمانها بسته شد! 33

دسته های گل بهشتی! 34

هاله حیا! 35

بخش دوم: مهریه / 39

بحران مهریه 41

مهر «بانوی اسلام» 45



بخش سوم: جهیزیه / 49

مسأله بغرنج جهیزیه 51

جهیزیه دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله 54

ص:6

بخش چهارم: خطبه عقد / 61

مراسم خطبه عقد 63

بخش پنجم: جشن عروسی / 71

مراسم عروسی 73

سرود شادی! 83

بزم شادی کروبیان، و نثار عروس! 84

ص:7

مقدمه

یک مشکل بزرگ



امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده ترین مسایل حادّ اجتماعی درآمده است، و کمتر خانواده ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و با این موضوع دست به گریبان نباشد.

بسیاری از مشکلات طاقت فرسای این مسأله مهم و در عین حال ساده، زندگی را در کام خود فرو برده و به صورت هیولایی وحشتناک درآورده است.

دختران زیادی در خانه ها مانده و در انتظار ازدواجند، و درحالی که هیچ مشکل اساسی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و موانع غیرقابل عبوری مشاهده می کنند.

ص:8

از سویی دیگر نیز، پسران زیادی، سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و در زندگی سرگردانند، در حالی که آرزوی تشکیل خانواده را دارند، آداب و رسوم زشت اجتماعی و پیرایه های غلطی که به این امر حیاتی بسته اند، آنها را از رسیدن به مقصود باز می دارد.

و عجیب این است که این مسأله در خانواده های مرفّه و فقیر از امور پیچیده به حساب می آید! چرا که هر کدام کوهی از توقّعات غلط را بر دوش می کشند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می زنند.

و اسفبارتر اینکه چون پایه ها از آغاز کج گذارده می شود، بنای بسیاری از خانواده ها، تا گنبد دوّار کج می رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات واضطرابات و ناراحتیها می شود.



این در حالی است که می دانیم «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده های کوچک» تشکیل می شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.

اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و پرصلابت باشند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و به عکس اگر سست

ص:9

و ناموزون باشد، دائم دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، و به سرعت از هم فرو می پاشد و متلاشی می شود.

بنابراین، مسأله تشکیل خانواده براساس الگوها و معیارها و ارزشهای صحیح، از یکسو رابطه مستقیم و نزدیکی با حل مشکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز پیوند روشنی با حل مشکلات اجتماعی دارد.

به همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی و اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، و پایه های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود.

جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده به ساختن یک بنا تشبیه شده، آن هم بنایی محبوب نزد خدا؛ چنان که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّرْوِيجِ؛ (1)

بنایی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.



و نیز قابل توجه اینکه قرآن سرچشمه آرامش و امنیت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می شمرد، در آنجا که می فرماید:

1- وسائل الشیعه؛ جلد 14، صفحه 30، حدیث 3.

ص: 10

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ (1)

یکی از آیات و نشانه های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می کنند!

ولی متأسفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می رسند از اندیشه در عوامل اصلی مودت و رحمت باز می مانند، و تمام اندیشه ها متوجه آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می شود!

### ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلایل عظمت تعلیمات اسلام این است که، این مسأله مهم زندگی را با دقت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کثری و ناراستی، از هیچ برنامه مؤثری فروگذار ننموده است و از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار



1- سوره روم، آیه 21.

ص: 11

وارزشهای والای حاکم بر آن را مورد توجه قرار داده، و در برابر «ضد ارزشهایی» که گاه از سوی وسواسان خناس به عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می شود، هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سراغ صفات زنانی که شایسته همسری هستند و باید به هنگام خواستگاری به آن توجه داشت رفته، و چنین می گوید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْثَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ الْمَالَ وَالْحَمَالَ؛ (1)

هنگامی که مردی، همسری را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کند؛ خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی گذارد (و از همه چیز محروم می شود) و هرگاه همسرش را به خاطر دینتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می دهد.

و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (وارزشهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:



1- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 30، حدیث 1؛ این حدیث با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

ص: 12

انْكَحْ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ؛ (1)

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان و دیندار بروی که معیشت تو را افزایش می دهد!

و گاه از زنان زیبایی که در خانواده ای آلوده و فاقد تربیت و ایمان پرورش یافته اند و بسیاری از مردم به خاطر جمال آنها از عیب هایشان به کلی چشم می پوشند تعبیر به سبزه ها (و گلهایی) که بر «مزبله» می روید فرموده است؛ چنان که در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم روزی برخاست و در میان مردم خطبه خواند (تعبیر به «قَامَ خَطِيْبًا» که در روایت آمده دلیل بر اهمیّت موضوع، و ابتلای قشر وسیعی از مردم به این مساله است) و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ أَيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ؛

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله ها می روید، پرهیز کنید!

شخصی پرسید :

ای رسول خدا!

وَمَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟





گیاهی که به مزبله ها می روید چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

1- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 30، حدیث 2.

ص: 13

الْمَرْئَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ؛

زن زیبایی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته! (1)

این برداشت از ارزشهای حاکم بر انتخاب همسر کجا، و آنچه امروزه در میان گروهی رایج است که از مسأله مال و جمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می اندیشند، کجا یعنی انتظار مرگ آنها را می کشند تا صاحب ثروتی شوند!

و گاه در برابر موهوماتی که مردم از نظر طبقات اجتماعی به هنگام ازدواج مطرح می کنند و یک جوان باایمان و پاکدامن را به حکم آن که پدرش مثلاً یک کارگر ساده یا کشاورز است، لایق همسری دختر خود نمی دانند، و حتی مسایل نژادی و قبیلگی را مقدم بر این فضایل اخلاقی می شمرند، می گوید:

مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج با هم برابرند! (2)

این در حالی است که حتی بعد از ظهور اسلام و استقرار آن در بخش عظیمی از جهان، باز گروهی از افراد به ظاهر مسلمان ازدواج عرب را با غیرعرب نکوهش می کردند



1- فروع کافی، جلد 2، صفحه 5.

2- فروع کافی، جلد 2، صفحه 10.

ص: 14

وازدواج بنی هاشم را با غیر آنها عیب می دانستند!

لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ؛ (1)

مؤمنان برابر و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی تواند آنها را در مسأله ازدواج از هم جدا سازد).

ولی مگر می توان این گونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتی در میان قشرهای به ظاهر متدین پیاده کرده، و قیدوبندهای موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قایلند، از زندگی آنها حذف نمود!

جالب توجه اینکه در احادیث متعددی، این مضمون از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه هدی علیهم السلام به چشم می خورد که می فرمایند:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ؛

(2)



هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می پسندید به خواستگاری آید، او را به همسری دخترتان بپذیرید؛ اگر چنین نکنید

1- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 49، حدیث 7.

2- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 51، حدیث 1 و 2 و 3.

ص: 15

فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می سازد، و شاید بسیاری از مفسد عظیم که امروز بر جوامع بشری حاکم است، مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این احادیث نسبت به آن هشدار داده اند.

اسلام گاه مسایل مهریه و جهیزیّه و هزینه های ازدواج را به طور کلی مورد توجه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملاً آشنا یعنی سعادت و تیره روزی، مطالب لازم را در این زمینه بازگو می کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

أَمَّا الْمَرْأَةُ فُشُومُهَا غِلَاءٌ مَّهْرُهَا؛ (1)

اما شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!



و در حدیث دیگری آمده:

إِنَّ مِنْ بَرَكَهِ الْمَرْثَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَمِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا؛ (2)

یکی از برکات همسر، کمی مهر اوست، و از شومی او، زیادی

1- تهذیب، جلد 2، صفحه 226.

2- من لایحضره الفقیه، جلد 2، صفحه 124.

ص: 16

مهر او!

این مسأله همچنان ادامه می یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزند، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به عنوان دایه انتخاب می شود که روحیات و اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می کند، و سرانجام به مسأله معلم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می رسد که هر کدام از این ها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسایل تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتی از مسایل به ظاهر کوچک غفلت نشده است.

بی بندوباری های ما در مسایل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقت نظر اسلام در این مسایل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می اندازد که: «بین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»



کار به جایی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولاً باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت بار و غم انگیز شده؛ چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد

ص:17

ونسیه، و هزینه های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع تجمّلات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیه که چیزی جز چشم وهم چشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می شود و نزدیکان دو طرف گاه تلخ ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدمات آن می گذرانند!

چه آبروهایی که بر باد نمی رود، چه کدورتها و دشمنی هایی که به وجود نمی آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده ها افتاده است، رخ نمی دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت بار کند!

ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده ایم که فکر می کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک

ص:18



خانواده نمونه ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی علیه السلام با بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

ناصر مکارم شیرازی

1368/9/10

ص: 19

### ویژگیهای خانواده نمونه

این خانواده نمونه با داشتن مشخصات زیر، می تواند از هر جهت تابلو زنده ای از تعلیمات حیاتبخش اسلام باشد :

1. از این نظر که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می رسد؛ فاطمه زهرا علیها السلام دختر دلبنده او، و تنها کسی است که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی علیه السلام پسر عم و یار دیرین پیامبر صلی الله علیه و آله از نخستین روزهایی که آفتاب پر فروغ اسلام طلوع کرد، تا واپسین دقایق عمر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

2. زهرا علیها السلام در اسلام تولد یافت و علی علیه السلام ده ساله بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.



ص:20

3. تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت فرزندان، همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور و فرمان او صورت گرفت.

بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنا اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلی داشت.

هدف این است که با طرح این مسأله، همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن بینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و بینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چگونه ایم؟ تربیت اسلامی چه می گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟

متأسفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده اند، و نماز و روزه و حجّی بی محتوا، و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبّر، و دعایی تهی از حضور قلب، و زیارتی به قصد سیاحت، انجام می دهند، بی آنکه اسلام در عمق جانیشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می تواند محک خوبی برای شناخت مسلمانان راستین، از مسلمانان سطحی باشد.

ص:21

همانها که دم از حجّ و نماز و روزه می زنند، هنگام شوهر دادن دختران خود چنان برای مهریه های میلیونی پافشاری می کنند، و حتی برای محکم کاری و پیش بینی نرخ تورّم در



آینده، مبلغ مهریه را از پول رایج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات، چنان خونشان به جوش می آید و رگهای گردنشان ستر می شود که گویی تمام موجودیت آنها به خطر افتاده! آنها مرتب از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکل بر ذات مقدس او را در زندگی از دست می دهند.

به سرعت از خانه ملکی داماد سؤال می کنند؛ در حالی که بسیاری از جوانان حقوق بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می شود!

از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجمّلات و زینت آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیه یک مشت وسایل تجمّلی بنام جهیزیه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یک بار مورد نیاز قرار نمی گیرد، دوخته اند.

ص: 22

اینجا است که اگر جسارت نباشد (و انشاءالله نیست) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام می افتد که درباره گروهی از مردم فرمود:

النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لَعِقُّ عَلَى السِّنِّهِمْ؛

مردم بندگان دنیایند، و دین تنها بر زبان آنها دور می زند!

یا در حدیث دیگری از رسول الله صلی الله علیه و آله می خوانیم که درباره گروهی می فرماید:





آنها قرآن را می خوانند در حالی که (لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ) از شانه های آنها بالاتر نمی رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی رسد. (1)

ولی باید توجه داشت که این گونه برخورد با حقایق قرآن و تعلیمات اسلام عواقب دردناکی دارد، و مجازات الهی را به دنبال خواهد داشت، چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا، أَوْ آثَرَ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَزِينَتِهَا، اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ، أَلَّا أَنْ يَتُوبَ.

کسی که قرآن بخواند و سپس (بر خلاف دستور قرآن)

---

1- اصول کافی، جلد 2، صفحه 450، حدیث 3. کتاب القرآن، باب 9، ترتیل القرآن بالصوت الحسن.

ص: 23

مشروب حرامی را بخورد یا محبت دنیا و زینت آن را بر قرآن مقدم دارد مستوجب خشم الهی خواهد بود، مگر این که توبه کند! (1)

به هر حال، هدف این است که به خواست خدا، ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان خانواده نمونه در اسلام، بهترین سرمشق در پایه گذاری زندگی خانوادگی قرار دهیم، و خدا را به حق آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سنتهای حسنه ای که آنها برای ما به یادگار گذارده اند، عنایت فرماید «آمین یا رب العالمین».



1- بحار الأنوار، جلد 92، صفحه 180، حدیث 13.

ص: 24

ص: 25

### بخش اول: خواستگاری عجیب

#### اشاره

ص: 26

ص: 27

#### نخستین گام

نخستین گام در تشکیل خانواده، خواستگاری است.

در مناطقی که ما زندگی می کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار دیده می شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می روند، و حتی سعی می کنند با تعهد جهیزیه های سنگین، دل آنها را به دست آورند!



در بسیاری از کشورهای غربی و حتی در بعضی از مناطق غرب زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه ها می روند، دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای

ص:28

ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخصاتی چنین وچنان بوده باشد، اعلام می دارند. و عجیب نیست که مشخصاتی که طرفین عنوان می کنند، مجموعه ای از یک سلسله ارزشهای صددرصد ظاهری و مادی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره مندی از زیبایی و جمال (البته به تشخیص خودشان) و مسایل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهایی در این راستا؛ چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این گونه جوامع حاکم نیست، بلکه گاهی آنها را ضد ارزش یا جزء خرافات می شمرند و به باد سخریه می گیرند.

به تازگی نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعه دختران و پسرانی که آماده ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعهد و آگاه بر آن نظارت دارند، پرونده های محرمانه ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیات معنوی و مادی همسر مورد نظر آنها را به صورت کلی ثبت می کنند، و به طبع هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

ص:29



البته ضوابطی بر این گونه مراکز حاکم است که جلو سوء استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می گیرد، و اگر این کار به شیوه صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل خواهد کرد؛ ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نقص و عیب نیست.

به هر حال، نمی توان انکار کرد که هنوز در جوامع اسلامی ارزشهایی که بر مسأله خواستگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسر، حاکم است، شکل اسلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهای مادی، و گاه حتی بر محور امور موهوم و تخیلی و دروغین و کاذب دور می زند.

کمتر کسی را می بینید که به هنگام خواستگاری دختر، به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیه احتمالی، و طلا و جواهرات و درجه زیبایی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد اغلب مسأله شغل پردرآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله های نقلیه گران قیمت و پر زرق و برق مورد توجه قرار می گیرد.

این روزها پایه های تحصیلی نیز مطرح است، اما اغلب منظور پایه های مدرکی است که به دنبال آن امکان اشتغال و کار مطرح می گردد، نه علم و سواد و فضل و دانش!

درعین حال نمی توان انکار کرد که هنوز هستند افرادی که

ص:30

بیش از هر چیز به عفت و نجابت و ایمان و اخلاق و حسن سلوک و ایثار و فداکاری و صفا و تقوای همسر آینده خود می اندیشند، و ارزش او را با این مسایل تعیین می کنند، ولی نمی توان تعیین کرد که چند درصد اجتماع مسلمانان امروز این چنین فکر می کنند!



۴

حال به سراغ «خانواده نمونه» می رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخص می کنند.

در روایات متعددی این معنا را از قول امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام می خوانیم:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى الْأَرْضِ؛<sup>(1)</sup>

اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را نیافریده بود، فاطمه علیها السلام همتایی برای همسری اش در تمام روی زمین نداشت!

بدیهی است این بی همتایی نه از نظر ارزشهای ظاهری و مادی است، بلکه تنها ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان و تقوا و تقرب به پروردگار و مقامات فوق العاده و والای انسانی است.

---

1- بحارالأنوار، جلد 43، صفحه 97، حدیث 6.

ص: 31

همین مطلب نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد! خداوند جلّجلاله می فرماید:

لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلَيْهَا لَمَّا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ؛<sup>(1)</sup>



اگر من علی را نمی آفریدم همتایی برای همسری دخترت فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی شد، از آدم گرفته تا دیگران!

جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

گروهی از شخصیت‌های قریش مرا در مورد خواستگاری فاطمه علیها السلام ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی درآوردی!

فرمود :

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او را به همسری علی درآورد!

سپس جمله فوق را بیان فرمود.

---

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 92، حدیث 3.

ص:32

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام، برای خواستگاری فاطمه علیها السلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند، و پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ منفی به آنها داد. هنگامی که علی علیه السلام به سراغ حضرت آمد با پیشنهاد او موافقت فرمود؛ در حالی که چیزی جز یک زره برای هزینه های این کار نداشت!



هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه علیها السلام رسید گریه کرد (از بعضی از روایات استفاده می شود، این گریه و ناراحتی به خاطر این بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را

به خاطر همسری با مرد تهی دستی همچون علی علیه السلام سرزنش کردند و زخم زبان زدند)، پیامبر صلی الله علیه و آله از علت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می سازد، فرمود:

وَاللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا وَأَوْلَهُمْ سِلْمًا؛<sup>(1)</sup>

به خدا سوگند کسی را به همسری تو در آوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 136.

ص: 33

در حدیث دیگری این مطلب به شکل گسترده تری مطرح شده است. در این حدیث می خوانیم: فاطمه علیها السلام هنگامی که سخن بالا را شنید، شادمان و مسرور شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در فرصتی دیگر خواست بهره افزونتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

يَا فَاطِمَةُ، لَعَلِّي تَمَانُ خِصَالٍ: إِيمَانُهُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَعِلْمُهُ، وَحِكْمَتُهُ وَزَوْجَتُهُ وَ سِبْطَاهُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَقَضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللَّهِ؛<sup>(1)</sup>

ای فاطمه! علی هشت فضیلت دارد: ایمان به خدا و پیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن و داوری او به کتاب الله!

### عقدی که در آسمانها بسته شد!

به طور قطع ازدواجی که بر پایه این گونه ارزشهای والا و برتر بنا می شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.

لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت،

---

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 98.

ص: 34

ودخترم را برای او بر فراز آسمانهای هفتگانه تزویج نمود، وملائکه مقربین را گواه بر آن گرفت، و او را وصی و جانشین من قرار داد. (1)

### دسته های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید همسری، دسته های گل می برند.

جالب اینکه، در حدیثی می خوانیم:





جبرئیل با دسته گلی از بهشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ دسته گل را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و بوید و فرمود:

این دسته گل به چه مناسبت است؟

عرض کرد:

به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان دستور داده شده، بهشت را بیاریند، نسیم بهشتی را مأمور ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت بپراکند، به حورالعین دستور داده سوره هایی از قرآن مجید را برخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن همسری علی بن ابی طالب است، شما گواه باشید که من

---

1- بحار الأنوار، جلد 43، صفحه 98.

ص: 35

فاطمه دختر محمد را به همسری علی بن ابی طالب در آوردم... سپس منادی ندا در داد که ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک بگویید که من خود به آنها تبریک گفتم، آگاه باشید من محبوبترین زنان را به محبوبترین مردان بعد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم... (1)

و در حدیث دیگری می خوانیم که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود:



ما زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلاَّ بَعْدَ مَا أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِتَزْوِيجِهَا؛ (2)

من فاطمه را به همسری علی علیه السلام درنیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

### هاله حیا!

همان طور که گفتیم امروز کار به جایی رسیده که در کشورهای «غربی» و «غرب زده» پسران و دختران برای یافتن همسر آینده خود در جراید به صورت «زننده» و «زشتی» آگهی می کنند، مشخصات اعضای بدن خود و

---

1- بحارالانوار، ج 43، صفحه 102 (با تلخیص).

2- بحارالانوار، ج 43، صفحه 104.

ص:36

جزئیات آن را شرح می دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد، پوشش زیبای حیاست. در حالی که حیا هنوز بر خانواده های مذهبی حاکم است وزن را در هاله زیبایی از قداست و پاکی قرار می دهد، و به گوهر گرانبهایی تبدیل می کند که دارای ارزش فوق العاده ای است؛ در صورتی که نبود حیا زن را به ابتذال می کشاند و از ارزش و بهای او می کاهد.

هنوز در میان قشر دین دار، معمول است که در مجالس عقد به هنگام گرفتن و کالت از دختر برای اجرای صیغه ازدواج، شخص و کیل باید چند مرتبه پیشنهاد و کالت را تکرار کند تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشهای حاضران منتظر شنیدن



آن است، و حیا مانع می شود که عروس بسرعت این کلمه را بگوید، و به هنگامی که این واژه کوچک آمیخته با آن همه حیا در فضای مجلس می پیچد، غریو هلهله و شادی از حاضران برمی خیزد.

این حیا و شرم، به زن ارزش می بخشد. حال آن را با ازدواجهای نامناسب و روزنامه ای مقایسه کنید و ارزش و اعتبار هر دو را مقایسه نمایید.

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت

ص: 37

معنادار و آمیخته با حجب و حیا که حاکی از رضایت آنها باشد، کافی است.

این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکه و مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری دخترش زهرا علیها السلام آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه علیها السلام قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که ته دلش هرگز از این گونه پیشنهادها راضی نیست.

ولی هنگامی که علی علیه السلام برای خواستگاری زهرا علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود: همینجا باش تا من نزد تو برگردم.



پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شد، دخترش زهرا علیها السلام برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام علیها السلام عرض کرد:

لَيْكَ لَيْكَ.

رسول الله! مطلبتان را بفرمایید.

ص: 38

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

تو علی بن ابی طالب را بخوبی می شناسی، از نظر خویشاوندی اش با ما، و فضایل و سابقه اسلامی اش، و من از پروردگرم خواسته ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده است، نظر تو چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ نارضایتی از خود نشان نداد.

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ سَكُوتُهَا أَقْرَابُهَا؛ (1)

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزله اقرار او است!



1- بحار الأنوار، جلد 43، صفحه 93.

ص: 39

### بخش دوم: مهریه

#### اشاره

ص: 40

ص: 41

#### بحران مهریه

برخلاف آنچه بعضی می پندارند اسلام اهمیت کمی برای مهریه قایل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دائم کنند، و سخنی از مهریه به میان نیاورند، هیچ مشکلی ایجاد نمی شود و ازدواجشان صحیح است، و باید برای چنین زنی مهریه ای همانند زنان امثال او قایل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریط در این مسأله، مانند بسیاری از مسایل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است؛ بعضی چنان به سراغ تعیین مهریه های سنگین می روند که گویی تمام افتخار و ارزش زن در آن خلاصه می شود و کم بودن مهریه را دلیل بر بی شخصیتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباحات و نشانه عظمت او می پندارند.

ص: 42

بسیاری از مردم چنان برای مهریه چانه می زنند که گویی می خواهند خانه و ملکی را خرید و فروش کنند و نه تنها به مهریه های نسیه و در ذمه، بلکه به مهریه های نقدی از نوع «پول رایج» نیز قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می کند و ارزش آن کاسته می شود.

باید حتماً «سگه های طلا» و «املاک شش دانگ» و مانند آن باشد.

در برابر این گروه اخیر، بعضی (به تقلید اروپاییها که مهریه ندارند) بطور کلی با مهریه مخالفند، و آن را بی معنا می دانند؛ در حالی که مهریه فلسفه هایی دارد که این گروه از آن غافل و بی خبرند.

فلسفه مهریه را در چند مورد می توان خلاصه کرد:

مهریه یک نوع اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است، و در واقع هدیه ای است از سوی شوهر که دلیل محبت، و نشانه جدی بودن پیمان زناشویی است.

همه جا معمول است که زن با خود جهیزی ای به خانه شوهر می برد و اغلب در تهیه این جهیزیه گرفتار مشکلات می شوند، «مهریه نقدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیه جهیزیه و نشانه ای است از وفاداری و قبول مسئولیت نسبت به زندگی آینده.

ص: 43



مهریه می تواند تا حدی خسارت اقتصادی زن را در صورت جدایی جبران کند، زیرا می دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می گیرند شانس کمتری برای ازدواج مجدد دارند تا مردان آنها.

مهریه غیر نقدی عامل بازدارنده ای است در برابر طلاق، و شاید به همین دلیل شارع مقدس اسلام به هیچ وجه حد و مرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصی قایل نشده، از اموری که تنها جنبه معنوی دارد مانند «تعلیم قرآن» گرفته، تا مهریه های فراوان مادی را شامل می شود، چرا که شرایط مختلف اند و اشخاص متفاوت.

در عین حال در اسلام توصیه مؤکد برای سبک کردن مهریه شده است؛ چنانکه علی علیه السلام می فرماید:

لَا تُغَالُوا بِمُهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً؛<sup>(1)</sup>

مهریه های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه توزی می شود.

مرحوم شیخ صدوق در روایت مرسله ای از معصومین علیهم السلام چنین نقل می کند:

مِنْ بَرَكَهٍ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَمِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ

---

1- وسائل الشیعه، جلد 15، صفحه 11، حدیث 12.



از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم و نامیمونی او، زیادی مهر او است.

مهریه های سنگین در عصر ما اغلب از سه عامل سرچشمه می گیرد:

گاه از چشم و هم چشمی ها و مسابقه در این گونه مسایل است که افرادی از این طریق می خواهند به پندار خویش شخصیت و الاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.

گاه از غلبه روح مادّیگری و ارزشهای مادّی است که اساساً تمام تلاشهای گروهی برای رسیدن به آن است، و از آنجا که مهریه زیاد در کوتاه مدّت یا درازمدّت درآمد بیشتری را همراه دارد، آن را ترجیح می دهند.

و بالاخره گاهی از عدم اعتماد متقابل میان دو همسر یا خانواده های آنها سرچشمه می گیرد، زیرا از این بیم دارند که زندگانی مشترک آن دو، دوام پیدا نکند، و می خواهند این مهریه سنگین مانعی بر سر راه جدایی گردد، و یا در فرض جدایی، کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.

---

1- وسائل الشیعه، صفحه 10، حدیث 8.

ص: 45

روشن است که اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم و هم چشمی ها و رقابتها در میان نباشد، و نخواهند به وسیله ازدواج، تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به دنبال این گونه مهرهای کمرشکن بروند.

مهر «بانوی اسلام»





اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و مهریه اسلامی را از غیر اسلامی باز شناسیم.

در حدیث آمده است که تمام مهریه بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه های جهیزیه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی علیه السلام برای جنگ خریده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی علیه السلام می گوید زره را فروختم و پول آن را در دامان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من سؤال کند چه مقدار است، و یا من خبر دهم، دست کرد و مشتی از آن را گرفت و به بلال داد و فرمود:

با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.

باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد

ص:46

و فرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاثیه منزل تهیه کنید. (1)

در حدیث دیگری آمده است که صدق و مهریه فاطمه علیها السلام، زرهی از آهن بود.... (2)

ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، دخترش فاطمه علیها السلام را به هنگام تزویج با علی علیه السلام به چهارصد و هشتاد درهم مهر نمود.



و در حدیثی پانصد درهم آمده است. (3)

در حدیث دیگری آمده، هنگامی که سخن از کمی این مهریه به میان آمد رسول الله صلی الله علیه و آله به بانوی اسلام فرمود:

من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم تمام دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است! (وَجَعَلَ مَهْرَكَ خُمْسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ). (4)

این مهریه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا علیها السلام از خود نشان داد؛ حتی در حدیثی که در

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 94.

2- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 104.

3- بحارالانوار، ج 43، صفحه 122.

4- بحارالانوار، ج 43، صفحه 144.

ص: 47

«مصباح الانوار» آمده است می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا؛ (1)



خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولا نزدیکان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حسّاسند، همچنین اقوام عروس نسبت به ثروت داماد؛ و لذا اغلب به جای تحقیق در ارزشهای معنوی و کمالات انسانی و فضایل اخلاقی طرفین، جستجو از ثروت‌های موجود یا بالقوه یکدیگر می‌کنند، و آن را به رخ هم می‌کشند.

از پست و مقامهای بستگان عروس و داماد سخن می‌گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، و پسر پسر عمویش یا نوه دایی اش چه پست و مقامی دارد!

---

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 145.

ص: 48

ولی در حدیث می‌خوانیم هنگامی که علی علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چه چیز صداق و مهریه قرار خواهی داد؟

عرض کرد:

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می‌کنم (یعنی تمام دارایی ام).



فرمود :

«شتر» و «شمشیر» و «اسب» مورد نیاز تو است و بدون آن نمی توانی با دشمن جهاد کنی، اما زرهت مانعی ندارد!

اینجا بود که علی علیه السلام رفت و زره را فروخت و پول آن را در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت...

\*\*\*

ص: 49

**بخش سوم: جهیزیه**

**اشاره**

ص: 50

ص: 51

**مسأله بغرنج جهیزیه**

هر کسی فلسفه جهیزیه را درک می کند.

دو همسر که می خواهند زندگی مشترک جدیدی را آغاز کنند باید حداقل وسایل زندگی داخلی را دارا باشند، وگرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایه ناراحتی آنهاست، و هم استقلال زوجین را از بین می برد.



لذا همه جا معمول است که بستگان عروس، لوازم اولیّه زندگی را همراه او به خانه داماد می فرستد، و در مقابل، داماد هزینه های دیگر عروسی، و حتی بخشی از هزینه های جهیزیّه را (از طریق پرداختن مهریه نقدی) پذیرا می گردد، و با این همکاری و همیاری مشکلات حل می شود.

ولی بیشتر مردم این حقیقت را فراموش می کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای

ص:52

ساده ای شروع کنند و اگر می خواهند توسعه دهند، این کار را به تدریج انجام دهند؛ چرا که کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، و روح محبت و دوستی و صفا و معنویت در چنین زندگی ساده ای موج می زند، و ارزشهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیّه سنگین دفن نمی شود.

ولی ما در جامعه شاهد آن هستیم که چگونه رقابتها و چشم هم چشمی ها، تجمل پرستیها و خرافات و موهومات در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گاه از سالیان دراز، همّ و غمّ پدر و مادر دختر تهیه جهیزیّه است، حتی از خوراک روز، و شام شب، باید بکاهند، تا یک جهیزیّه سنگین را تهیه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقاط هنگام فرستادن جهیزیّه، طی یک نمایش مسخره و خنده دار قافله حاملان جهیزیّه با یک دنیا سروصدا به راه می افتد، چنان جار و جنجالی برپا می کنند که نه تنها



همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خبر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیه را برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیه کار

ص:53

خود را تمام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعددی در کنار هم می چینند، و به صورت موزه های تماشایی درمی آورند، و از فامیل و دوستان دعوت می کنند که به تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!

بدیهی است اگر جهیزیه از نظر کیفیت و کمیت در سطح پایین باشد، عرق شرمساری بر چهره عروس و نزدیکان او می نشیند، و بگومگوها شروع می شود، یکی طنز می گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و بانیشخند می گوید: انشاءالله مبارکشان باشد! دیگری از روی ترحم می گوید: اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند!

و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده ای درباره تهیه هر یک از قسمتهای آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهیه آن از بازارها به قیمتهای گزاف، از سفر مگه و زیارت سوریه، از فروشگاههای درجه اول و منحصر به فرد کشیده اند، می پردازند.

کسی نیست از این افراد بپرسد اگر جهیزیه برای زندگی خصوصی عروس و داماد تهیه شده، نمایش آن برای دیگران چه معنایی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی معنا چیست!

مگر ما هر وقت وسایلی برای خانه خود می خریم دیگران را دعوت برای تماشا می کنیم! متأسفانه گاه بگومگوها و گله های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی می ماند و آثار شوم و سوء آن در روحیه عروس و داماد، شهّد شیرین زندگی را در کام آنها تلخ می سازد. در حالی که می دانیم فلسفه جهیزیّه، آغاز یک زندگی ساده و آبرومند و توأم با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه های زشت و نمایشهای مسخره و شرم آور.

از همه بدتر این که، در چنان مجلسی به سرعت مقایسه ها شروع می شود و جهیزیّه این دختر و آن دختر را با هم می سنجند، در نتیجه این مقایسه آتش کینه و حسد و عداوت را در دل گروهی از حاضران می افروزد، و مفسد دیگری را به دنبال دارد، چرا که همیشه کار بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می شود.

### جهیزیّه دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

حال به سراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیّه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد توجه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم.



در بحثهای گذشته خواندیم که تمام سرمایه مولای متقیان علیه السلام برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیّه» حضرت زهرا علیها السلام تهیه شد.

قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر 480 یا 500 درهم بود(1) و با توجه به این که «درهم» تقریباً

نیم مثقال نقره مسکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسایلی را که به عنوان جهیزیّه تهیه کردند، به آسانی می توان محاسبه نمود.

از روایتی استفاده می شود که تنها یک سوم قیمت زره برای جهیزیّه مصرف شد، و از آن بخوبی برمی آید که تا چه حد وسایل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریت ساده و بی آلایش و دور از هر گونه تشریفات بوده است.

صورت جهیزیّه بانوی اسلام علیها السلام و به اصطلاح ریز اقلام آن را نیز مورخان در تاریخ های خود ثبت کرده اند که مطالعه آن، انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه رومی سازد، که عظمت و شکوه بی نظیر و خیره کننده اش

---

1- مرحوم علامه مجلسی در «بحارالانوار» می گوید: ممکن است قیمت واقعی آنهمان 30 درهم بوده، ولی بعضی از علاقه مندان، آن را به مبلغ زیادتری خریدهباشند.

ص: 56

هر انسان آزاده ای را به خضوع در برابر آن وامی دارد.





صورت جهیزیّه ای که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با آن وجه مختصر برای یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تهیه کردند به این ترتیب بود:

- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود.

- یک سفره چرمی.

- یک متکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود.

- یک عبای خیبری.

- یک مشک آب.

- چند کوزه.

- چند ظرف و کاسه سفالین.

- یک ظرف برای آب و آب کشی (مطهره).

- یک پرده نازک پشمی.

این بود مجموعه جهیزیّه زهرا علیها السلام طبق روایت (1).

هنگامی که وسایل فوق را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند نگاهی به آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و دعای عجیبی کرد و گفت:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ أُنْتِهِمُ الْخَزَفُ؛ (2)



خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 130.

2- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 130.

ص: 57

گردان!

دقت در اقلام این جهیزیه عجیب و تاریخی، و دعایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال آن فرمود، چیزهای بسیاری به انسان می آموزد. عظمت و شکوهی که در این جهیزیه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرن ها می دهد، غیرقابل توصیف است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با این کار می خواهد درس بزرگی برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجمل پرستی و رقابتهای کمرشکن مادی که مایه سختی کار ازدواج، و به تأخیر افتادن برنامه جوانان، و آلودگی اجتماع مسلمین می گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی و صفا و صمیمیت استوار است.

آنچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی تکلف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقی می شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان



تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند که قبلا ذکر کردیم.

ص: 58

اینها همه هشداری است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم وسایل تجملی جهیزیّه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یک بار مورد استفاده قرار نمی گیرند، اصرار دارند، بلکه حتی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ و نقش و نگار آنها نیز حسّاسیت آمیخته با وسواس نشان می دهند؛ آری هشداری است به همه آنها!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امکاناتی که در آن زمان داشت، می توانست وسایلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا علیها السلام و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی اش علی علیه السلام فراهم سازد، ولی به عمد این کار را نکرد، که اگر می کرد دستور جاویدان: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) ارزش خود را از دست می داد.

جالب این که، گروهی از مسلمانان، این سخنان را می شنوند، و بی خیال از کنار آن بسادگی می گذرند، و گاه اسم این بی اعتنایی را ضرورتهای عصر و زمان می گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثیت آنها در گرو آن است!

در حالی که ضرورت بودن آن، «بهانه» یا «خیال» و «توهّمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که:

ص: 59



از خیالی صلحشان و جنگشان

وز خیالی نامشان و ننگشان

و از همه مضحکتر این که، گاه برای تیمن و تبرک در کنار مهریه های سنگین چند میلیونی، مهریه پانصد درهمی حضرت زهرا علیها السلام را نیز ضمیمه می کنند! یا بعضی از قلمهای جهیزیه آن حضرت را برای تأسی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسایل پر زرق و برق و گرانبیامت خود قرار می دهند.

این درست به آن می ماند که در کنار سفره ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنتی و مد روز، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی علیه السلام است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار سطحی و شرم آور است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمل پرست متعصب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی آرایش تری دارند برای سنت شکنی، و درهم کوبیدن آداب و رسوم غلط آماده ترند، آنها باید بپاخیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این

ص:60

سنتهای زشت، و رقابتها و چشم و همچشمی های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد.

آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دستهای معمارانی را که سنگ اول زیربنای زندگی آنها را از اول کج می نهند، و بعد از آن تا گنبد دوار کج می رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و در حرف و عمل ثابت نمایند طرفدار مهریه های معقول، جهیزیه های ساده، و مراسم ازدواج بی تکلف و آمیخته با صمیمیت و صفای اسلام هستند.

پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علی مرتضی علیه السلام می باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیه علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریت الگو می گیرند، و به وسوسه های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی های در لباس خیرخواهی، توجهی نمی کنند؛ و من به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.

\*\*\*

ص: 61

**بخش چهارم: خطبه عقد**

**اشاره**

ص: 62

ص: 63

**مراسم خطبه عقد**



این مراسم نیز اغلب با تشریفات زیادی همراه است، و گاه آمیخته با انواع گناهان می باشد، ولی در مقایسه با مراسم شب زفاف (جشن عروسی) ساده تر است.

در این مراسم قسمتهای جالبی دیده می شود که یا پیروی از یک سنت اسلامی است، مانند خواندن خطبه ای که مشتمل بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام درباره اهمیت ازدواج برای جوانان و ارزشهای حاکم بر آن است و وظیفه بزرگسالان را در برابر این امر حیاتی روشن می سازد؛ یا تبعیت از یک سنت حسنه است، مانند نشستن عروس بر سجاده (جانماز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشانه ایمان و تقوای الهی است، و در برابر آینه و شمعدان که سمبل صفا و پاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای ساده

ص: 64

سمبلیک دیگر که شاید خوانندگان از نویسنده نسبت به آن آشنا ترند، اینها همه در جای خود خوب است و جالب.

ولی متأسفانه مصیبت از آنجا شروع می شود که دعوت شوندگان، چنان مسابقه ای با هم در لباسهای تجملی و آرایشهای جلف و زننده، و آویختن انواع زینت آلات به خود می دهند که گاه عروس در میان آنها گم می شود! و طبیعی است که در چنین جلسه شومی همه در اندیشه خودآرایی و خودنمایی هستند.

وای بر آن وقتی که پای مردان نیز به بهانه های مختلف به این مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فیلمبرداران و عکاسان از این مراسم که یکپارچه گناه و معصیت و نافرمانی خداست عکس و فیلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگی بزنند!



چه بهتر که شرح این فجایع را رها کنیم و به سراغ خانواده نمونه ای برویم که به راستی آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهایی دارند.

از خطبه های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام شروع می کنیم:

خطبه ای که خدا خواند؛ خطبه ای که رسول الله صلی الله علیه و آله

ص:65

خواند؛ و خطبه ای که علی علیه السلام خواند که همه معنادار و آموزنده است:

در خطبه الهی آمده است:

الْحَمْدُ رِدَائِي وَالْعِظْمَةُ كِبْرِيَائِي وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِبِيدِي وَإِمَائِي، زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ أُمَّتِي مِنْ عَلِيٍّ  
صَفْوَتِي، أَشْهَدُوا مَلَائِكَتِي؛

حمد شایسته من است و عظمت به من می برازد، و تمام خلق، بندگان و کنیزان من هستند،  
من کنیزم «فاطمه» را به همسری «علی» در آوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله های آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برترینان را به خاک می مالد، و عظمت و  
بزرگی را مخصوص خدا می شمرد، و جمله های بعد، آخرین حد انسان را بندگی خدا می  
شمرد.

سپس افتخار بزرگ فاطمه علیها السلام را همین مقام بندگی حق، و افتخار علی علیه السلام  
را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می کند.



بعد خداوند با ولایت مطلقه اش عقد همسری این دو وجود پر جود عالم بشریت را می بندد، و تمامی فرشتگان مقرب را گواه بر آن می گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

ص: 66

دومین خطبه از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که طبق روایات چهل روز بعد از آن اجرا شد (این فاصله اربعین، خواه برای مراعات جانب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پرمعناست).

خطبه به این شرح بود :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمَطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ، الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ، النَّافِذِ أَمْرَهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَيَّزَهُمْ بِأَحْكَامِهِ، وَ أَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَ أَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُصَاهِرَةَ نَسَبًا لَاحِقًا، وَأَمْرًا مُفْتَرَضًا، وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَ الزَّمَمَهَا الْأَنْامَ، فَقَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا...

ثُمَّ أَنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلِيٌّ أَرْبَعُمَاءَ مَثْقَالَ فِضَّةٍ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به خاطر نعمتهایش شایسته حمد است، و به خاطر قدرتش در خور عبودیت، و به خاطر سلطه و حاکمیتش سزاوار اطاعت، خدایی که عذابش موجب وحشت، و پادشاهش مایه

ص: 67





رغبت، و حکمش در آسمان و زمین نافذ است، خدایی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عزّت بخشید، و با پیامبرش محمد گرامی داشت.

سپس خداوند پیمان زناشویی را همردیف خویشاوندی نسبی قرار داد و تاروپود آن دو را درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداوند متعال می فرماید: او کسی است که انسان را از آب آفرید و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشویی قرار داد و پروردگار تو توانا است...

سپس من، شما (یارانم) را گواه می گیرم که دخترم فاطمه را با مهریه ای برابر 400 مثقال نقره به همسری علی در آوردم. (1)

در این خطبه نیز ضمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشویی می کند، به اهمیت مسأله ازدواج

---

1- بحارالانوار، جلد 42، صفحه 119 - تعبیر به 400 مثقال نقره که در این روایت آمده شاذ است و ممکن است از اشتباه روایت باشد و گرنه معروف 500 درهم است و این غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.



پرداخته و آن را به عنوان وسیله ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسانیت می پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می خوانیم: که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی علیه السلام عرضه داشت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَ دَنَا مِنْ سَائِلِيهِ، وَ وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ، وَ أَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعْصِيهِ، نَحْمَدُهُ عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَ آيَادِيهِ، حَمْدٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ خَالِقُهُ وَ بَارِيَهُ، وَ مَمِيَّتُهُ وَ مُحْيِيَهُ، وَ مُسَائِلُهُ عَنْ مُسَاوِيهِ، وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَسْتَكْفِيهِ، نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ تَحَنَّنَ عَلَيْهِ، وَ تَرَفَّعَهُ وَ تَصَطَّفِيهِ، وَ النَّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ يُرْضِيهِ، وَ اجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَ أَدْنَى فِيهِ، وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ زَوْجِنِي ابْنَتُهُ فَاطِمَةُ عَلَى خَمْسِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ رَضِيْتُ فَاسْأَلُوهُ وَ أَشْهَدُوا (1)

1- بحار الانوار، ج 43، صفحه 112.

ص: 69

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گهنگاران دوزخ، وعده داده است.

من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت هایش حمد می گویم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می داند، و میراننده و زنده کننده خود می شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش مواخذه می کند.

من از او یاری می طلبم و هدایت می جویم و به او ایمان می آورم و از او کفایت امورم را می خواهم.

و شهادت می دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می رسد، و او را راضی می کند، و نیز گواهی می دهیم که محمد بنده و فرستاده او است، و به او درود می فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده تر سازد.

(اما بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریه ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده ام از او (این مطلب را) جویا شوید و (بر آن) گواهی دهید.

ص:70

ص:71

### بخش پنجم: جشن عروسی

#### اشاره

ص:72

ص:73

#### مراسم عروسی



یکی از آرزوهای بسیاری از پدران و مادران آن است که زنده بمانند و مراسم زفاف فرزندان خود را ببینند، که در واقع دیدنی هم است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی رویه خود، آن شب شادمانی را به عزا مبدل نکنند.

این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است. (1)

هر کس می تواند با اندکی اندیشه و تأمل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا:

اولاً، این مراسم با حضور سرشناسان فامیل و دوستان و آشنایان انجام می گیرد و به زندگی مشترک جدید زوجین رسمیت می بخشد، و آنها را به قبول مسئولیت در برابر آن

---

1- وسائل الشیعه، جلد 14، باب 40 - از ابواب مقدمات النکاح.

ص: 74

و ادار می سازد، چرا که اگر در خفا و بدون هیچگونه مراسمی انجام می شد، هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهدات خود را زیرپا بگذارند، و با برخورد با اولین مشکلات در زندگی جدید، راه جدایی را در پیش گیرند!

ولی کاری که با آن همه سروصدا و در حضور آن جمع سرشناس و آشنا انجام می گیرد چیز ساده ای نیست که به آسانی بتوانند از آن چشم پوشند، یا به صورت یک مطلب خصوصی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشویی استحکام می بخشد، و به آن رسمیت و عینیت می دهد.



ثانیاً، وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی و سرور گذارده شود، خاطره خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می ماند سبب می شود که آن را به عنوان یک حادثه مسرت بخش و سرور آفرین در تمام طول عمر، بدانند، و به طبع بسیاری از مشکلات را به خاطر آن تحمل کنند، و با خوشبینی به مسایل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشنایان و بستگان را نیز دعوت می کند که با شرکت در آن، خود را در حل مشکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهم بدانند، و با توجه به این که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد

ص: 75

سهم شدن آنان در حل آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فواید مهم دیگری که بر این کار مترتب است.

ولی مشکل از زمانی شروع می شود که این مراسم مفید و با ارزش و شادی آفرین، با تجمل پرستی، و انواع هوا و هوسها، و ولخرجیها و بی بند و باریها و اسراف و تبذیرها، و انواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه به طور کامل معکوس خواهد شد.

شبى غم انگیز، با هزینه هایی کمر شکن، و خاطره ای تلخ و دردناک خواهد بود.

شبى با انواع آلودگیها و مفاسدی که خداوند بزرگ را به خشم می آورد.

و بالاخره شبى که آثار سوء آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می ماند.



آنچه در این زمینه می‌گوییم مطالبی است که از دور شنیده ایم، و به طور قطع آنها که از نزدیک دیده اند به عمق این فجایع آشنا ترند چرا که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده های تجمل پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت شدگان، چرا که شب مسابقه

ص:76

تجمل و خودآرایی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گران قیمت و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها، از هفته ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می کنند، و لباسهای تازه و جواهرات نوین سفارش می دهند.

بسیاری از بزرگترها چنان خودآرایی می کنند که گویی فراموش کرده اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها!

و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقت فرسایی را متحمل شوند، و چه بسا همین مسایل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع نرود!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان با هم مختلط شوند چه مفسد و وحشتناکی به بار می آید! به طور قطع محیطی به وجود می آید «آماده» و «مهیا» برای انواع گناهان؛ و



روشن است که این گناهان اثر شوم خود را نشان خواهد داد و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

چیزی که در این گونه مجالس معنا و مفهوم ندارد، یاد

ص: 77

خدا و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است.

تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون آمیزی را از سوی ثروتمندان مرقه و بی درد، و طاغوتهای هر زمان، به خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بی حساب «عباسیان» از «بیت المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است.

در یکی از این گونه مراسم، خلفای عباسی به جای «نقل» یا «سکه های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می پاشند (و به تعبیر عربها «نثار» می کنند) ورقه های کوچکی را که هر کدام سند مالکیت یک ملک و آبادی شش دانگ! بود، بر سر عروشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را به دست می آورد مالک یک آبادی می شد (و جالب است که افراد حاضر در آن مجالس، همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه نشین بودند).

حال بینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه وبی نظیر چه گذشت.

یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام علیها السلام با علی علیه السلام گذشت. روزی «امّ ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به محضرش شرفیاب شدند، «امّ ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را به شوق می آورد شروع کرد و گفت:



ص:78

اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی «فاطمه» علیها السلام روشن می شد؛

سپس افزود:

علی علیه السلام خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را نیز با آن روشن کن...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید.

«امّ ایمن» عرض کرد:

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود:

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود:

بروید و امّسلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!





سپس افزود :

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی علیه السلام مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا، شیرینی لازم برای این مراسم) تهیه فرمود و خدمت

ص:79

پیامبر صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آستین مبارک را بالا زد و خرما را در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گوسفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند، بعد به علی علیه السلام فرمود :

اکنون برو و هرکس را میل داری برای جشن عروسی دعوت کن!

علی علیه السلام می گوید :

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیت بود، شرمم آمد که گروهی را دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یک بلندی قرار گرفتم و صدا زدم ای مسلمانان! همه شما را به «ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه علیها السلام دعوت می کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، شرم سراپای مرا فرا گرفت چرا که جمعیت بسیار زیاد بود و غذا کم!



پیامبر صلی الله علیه و آله از آنچه در قلبم گذشت آگاه شد فرمود: علی! غصه مخور من دعا می کنم خدا به این غذا برکت دهد.

مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» و برای من دعا کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها بسیار زیاد به نظر می رسید ولی غذا به همه میهمانان رسید!

ص: 80

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرفها را آوردند و از غذا پر کرد و برای خانه همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و شوهرش.

آفتاب غروب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به «امّسلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور.

امّسلمه می گوید :

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدت شرم و حیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند.

هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه چادر را از صورتش کنار زد و علی علیه السلام چهره مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود:

دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

سپس افزود :



ای علی! فاطمه زن خوبی است.

و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:

دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید و برجای باشید تا من بیایم.

علی علیه السلام دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل

ص: 81

رفت.

چیزی نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، اجازه گرفت و وارد شد. فاطمه علیها السلام را در کنار خود نشانید، و فرمود:

حال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السلام ظرف آبی آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را با آن آب آمیخت، سپس مقداری از آن آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو به من کن، مقداری از آن را نیز در سینه او ریخت، باز فرمود:

روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت، سپس این جمله پرمعنا را به پیشگاه خداوند عرضه داشت:

خداوندا! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و این برادرم علی و محبوبترین خلق نزد من است.



خدایا! او را ولیّ خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن!

سپس به علی علیه السلام تبریک گفت و خارج شد. (1)

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن پیامهای صریح و کنایی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی و نورانیّتی که بر جزء جزء این مراسم زیبا و باشکوه و روحانی حکمفرما بوده، در نظر مجسم کنیم:

-- میهمانان، تمام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر در مسجد

---

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 95 و 96 (با تلخیص).

ص: 82

بودند، یعنی چهار هزار نفر!

-- طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی و عمومی توسط خود داماد.

-- پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با شکوه.

-- غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلّوای خرما به عنوان شیرینی.

-- تهیه شیرینی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت.

-- تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.



-- برکت عجیب غذا به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و غذاخوردن بی تکلف اصحاب و تبریک گفتن و رفتن.

-- فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.

-- و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.

-- حیا و حجب فوق العاده عروس.

-- سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو عزیز.

-- اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله.

چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین

ص: 83

مراسمی!

هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست که از آن هزینه های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون آمیز و آلوده شدن به انواع گناهان و بی عفتی ها پرهیزند.

**سرود شادی!**



در آن شب تاریخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و بسیاری از زنان مهاجر و انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی می خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:

«امّسلمه»، «معاذه» (مادر سعدبن معاذ) و «عایشه» (دختر ابوبکر) و «حفصه» (دختر عمر) و ما در اینجا تنها به نقل سرود «حفصه» قناعت می کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ الْبَشَرِ وَمَنْ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ

فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِآيِ الزُّمَرِ

زَوَجَّكَ اللَّهُ فَتَى فَاضِلًا أَعْنَى عَلِيًّا خَيْرَ مَنْ فِي الْحَضَرِ

فَسِرْنِ جَارَاتِي بِهَا أَنَّهُا كَرِيمَةٌ بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ (1)

---

1- بحارالانوار، جلد 43، صفحه 116.

ص: 84

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.

خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص [داشته] که در آیات سوره زمر بیان کرده است.

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت درآورد، یعنی علی بهترین مردان جهان.



همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است دختر مردی گرانمایه.

تمام سرودها - که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می شد - پرمحتوا، آموزنده، و الهام بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه ای می بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و همنوا ساخته بودند.

### بزم شادی کروبیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیه و در عالم پایین بود، ولی از روایات اسلامی استفاده می شود که در محفل کروبیان و عالم بالا نیز جشنی بسیار گسترده تر و باشکوهتر برپا بود:

مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی آراستند.

نسیم عطرآگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند.

ص: 85

حوریان بهشتی سوره های قرآن زمزمه می کردند... و گوینده ای از زیر عرش الهی صدا زد همه آگاه باشید که امروز روز جشن عروسی علی (و زهرا) است.

سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها دانه های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت بیارد!

و فرشتگان مأموریت داشتند دسته های گل بهشتی نثار کنند که جبرئیل امین (آن گونه که قبلا گفتیم) یک دسته از این گلها را همراه با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد. (1)

آری! محفلی آنچنان پاک و با صفا و روحانی در روی زمین ممکن نیست که جدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقربین باشد، چرا که عالم هستی یک واحد به هم پیوسته و هماهنگ است.

بیاید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم صدا شوند.

پایان